

## نقش راهبردهای فاجعه‌انگاری، پذیرش و ابعاد نوجویی، همکاری و خودفراروی در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر

نعیمه ماشینیچی عباسی<sup>۱</sup>

الهام نوذری<sup>۲</sup>

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین نقش راهبردهای فاجعه‌انگاری، پذیرش و ابعاد نوجویی، همکاری و خودفراروی در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر صورت گرفت. پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بوده و جامعه آماری شامل تمام دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ (N=۲۳۰۰۰) بود که در راستای آن، ۳۰۰ نفر به روش نمونه-گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و پرسشنامه‌های رفتارهای پرخطر، تنظیم شناختی هیجان (CERQ) و ابعاد سرشت و منش شخصیت (TCI-125) پاسخ دادند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد پذیرش و فاجعه‌انگاری قادرند بطور مثبت و معنی‌دار تغییرات گرایش به رفتارهای پرخطر را تبیین کنند. علاوه بر این، تحلیل داده‌ها نشان داد که در بین ابعاد سرشت شخصیت، بعد نوجویی قادر است واریانس گرایش به رفتارهای پرخطر را بطور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کند و در بین ابعاد منش شخصیت، همکاری و خودفراروی، قادرند بطور منفی و معنی‌دار تغییرات گرایش به رفتارهای پرخطر تبیین کنند. مبتنی بر یافته‌ها می‌توان استنباط نمود که افراد حائز راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان، توسط هیجان‌های منفی مغلوب شده و در نتیجه، در یک موقعیت استرس‌زا به بهبود عملکرد خود نمی‌اندیشند، لذا برای غلبه بر احساسات منفی خود منابع کمتری داشته و از این رو به رفتارهای پرخطر دست می‌زنند. از سویی، خودفراروی و همکاری موجب سازگاری اجتماعی فرد می‌شوند. با این حال، نوجویی موجب روی آوردن فرد به محرک‌های نو و جدید بدون در نظر گرفتن پیامدهای آنها شده و در گرایش فرد به رفتارهای پرخطر نقش مستقیم دارد.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای پرخطر؛ راهبردهای شناختی تنظیم هیجان؛ ویژگی‌های سرشت و منش شخصیت

مقدمه

رفتارهای پرخطر<sup>۳</sup> شامل فعالیت‌هایی در شیوه زندگی است که فرد را در معرض خطر بالایی از ابتلا به بیماری‌ها و آسیب‌های جسمی و روانی، قرار می‌دهد (چمپیون، متر، اسپرینگ، کی‌لمکین، تیسون و

<sup>۱</sup> دکتری تخصصی علوم اعصاب شناختی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی پردیس بین‌المللی دانشگاه تبریز elhamn2482@gmail.com

<sup>۳</sup> High-risk behaviors

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

نیوتن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). رفتارهای پرخطر، رفتارهایی هستند که به طور بالقوه افراد را به خطر انداخته یا آسیب قابل توجهی به فرد و اطرافیانش وارد می‌کنند که جبران ناپذیرند، برخی رفتارهای پرخطر طبیعی بوده و برخی بطور اکتسابی ایجاد می‌شوند، با این حال، آستانه ای وجود دارد که هنگام عبور از حالت طبیعی رفتار و کنجکاوای بیش از حد، در کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان باعث قرار گرفتن در معرض خطر خواهد شد، این آستانه، می‌تواند با توجه به هنجارهای اجتماعی جامعه متفاوت باشد، باید خاطر نشان شد که اگرچه نوجوانان و جوانان ممکن است درگیر رفتار پرخطر نشده باشند اما مشاهده رفتار و یا حتی آگاهی از رفتار پرخطر باعث می‌شود که بر روی رفتار آنان تاثیر بگذارد و گرایش به آن رفتار خاص صورت گیرد (پیچ، کی لیگان، اسمیت و هانتز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸).

عوامل مختلفی در گرایش به رفتارهای پرخطر نقش دارند که یکی از این عوامل تنظیم هیجان است. در این راستا، تنظیم شناختی هیجان<sup>۳</sup>، شامل استفاده از راهبردهای رفتاری و شناختی برای تغییر در مدت زمان یا شدت تجربه یک هیجان است (داروس، گوئورا، یولیازک، مک مین و روسو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸) و مشخص شده است که افراد در مواجهه با رویدادهای استرس‌زا، از راهبردهای تنظیم هیجان متفاوتی برای اصلاح یا تعدیل تجربه هیجانی خود استفاده می‌کنند (گراس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵). یکی از متداول‌ترین این راهبردها تنظیم هیجان با استفاده از راهبردهای شناختی است. تنظیم شناختی هیجان بخش مهمی از زندگی هر فرد را به خود اختصاص می‌دهد، به نحوی که آشفته‌گی در هیجان و تنظیم آن می‌تواند به آسیب‌های متنوعی منجر شود. به تعبیری، عدم مدیریت عواطف با استفاده از اطلاعات برانگیخته هیجانی می‌تواند در بروز رفتارهای پرخطر نقش داشته باشد. در این ارتباط، گارنفسکی و کرایچ<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) تنظیم هیجان را همسان با مقابله شناختی فرض می‌کنند و در کل، آن را مرتبط با راه‌های شناختی مدیریت عواطف با استفاده از اطلاعات برانگیخته هیجانی در نظر می‌گیرند. توضیح اینکه، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان مشتمل بر ۹ راهبرد هستند که به دو دسته کلی راهبردهای انطباقی (سازش‌یافته) و راهبردهای غیرانطباقی (سازش‌نیافته)، تقسیم می‌شوند. راهبردهای دیدگاه‌گیری<sup>۷</sup>، تمرکز مجدد مثبت<sup>۸</sup>، بازاریابی مثبت<sup>۹</sup> و تمرکز مجدد بر

<sup>1</sup> Champion, Mather, Spring, Kay- Lambkin, Teeson, & Newton

<sup>2</sup> Piche, Kaylegian, Smith & Hunter

<sup>3</sup> Cognitive emotion regulation

<sup>4</sup> Daros, Guevara, Uliaszek, McMain, & Ruocco

<sup>5</sup> Gross

<sup>6</sup> Garnefski & Kraaij

<sup>7</sup> perspective taking

<sup>8</sup> positive refocusing

<sup>9</sup> positive reappraisal

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

برنامه‌ریزی<sup>۱</sup>، راهبردهای سازش‌یافته و راهبردهای سرزنش‌خود<sup>۲</sup>، سرزنش‌دیگری<sup>۳</sup>، نشخوارفکری<sup>۴</sup>، پذیرش<sup>۵</sup> و فاجعه‌انگاری<sup>۶</sup>، راهبردهای سازش‌نیافته را تشکیل می‌دهند. بر همین اساس، فکر کردن به اینکه اتفاق رخ داده چقدر وحشتناک بوده و این اتفاق بدترین چیزی است که در زندگی هر کسی رخ می‌دهد، یا ادراک و ابراز شدید و وحشتناک از واقعیت، فاجعه‌انگاری نامیده می‌شود (گراس، ۲۰۱۵). کاربرد زیاد این راهبرد به مشکلات هیجانی و بیماری‌های روانی منجر می‌شود، در کل این راهبرد به نظر می‌رسد که با غیرانطباقی بودن، پریشانی هیجانی و افسردگی مرتبط باشد (ساکاکیبارا و اندو، ۲۰۱۶). پژوهش گارنفسکی و کرایچ (۲۰۰۶) حاکی از آن است که افرادی که از راهبردهای ناسازگارانه مانند فاجعه‌انگاری استفاده می‌کنند، نسبت به سایر افراد بیشتر در برابر مشکلات هیجانی، آسیب‌پذیرند. همچنین، پذیرش یک راهبرد مقابله‌ای است که با میزانی از استرس و خشم رابطه داشته (ساکاکیبارا و اندو، ۲۰۱۶) و به وضعیت یا موقعیتی اشاره دارد که فرد توان مقابله با آن وضعیت را ندارد (گراس، ۲۰۱۵)، اگرچه فرایند پذیرش به تنهایی خوب است اما در بسیاری از وقایع، سطوح خیلی بالایی از پذیرش می‌تواند نشانگر نوعی از کناره‌گیری و ناتوانی حسی شود و به احساس عدم توانایی در تأثیرگذاری روی وقایع منجر شود (دیدریچ، هافمن، کالپر و برکینگ<sup>۸</sup>، ۲۰۱۶). طبق نظر گارنفسکی و کرایچ (۲۰۰۶) پذیرش، تفکری با محتوای تسلیم در برابر رخداد است. پذیرش یک رویداد مقابله‌ای است که رابطه مثبتی با میزان استرس و افسردگی دارد، یعنی هرچه فرد خود را ملزم و ناچار به پذیرش اتفاق پیش‌آمده بداند و ادراک و ابراز شدیدی از واقعه پیش‌آمده داشته باشد، بیشتر در معرض گرایش به رفتارهای پرخطر قرار خواهد گرفت.

از طرفی، انسان‌ها در رفتار، احساسات و اندیشه‌های خود، تفاوت‌های فردی نشان می‌دهند، بر این اساس به نظر می‌رسد یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در بروز رفتارهای پرخطر نقش داشته باشد، شخصیت<sup>۹</sup> است (شاینر و دیانگ<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱). در این راستا، کلونینجر<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۶) یکی از نظریه‌پردازان زیستی شخصیت، با

<sup>1</sup> refocus on planning

<sup>2</sup> self-blame

<sup>3</sup> Blaming others

<sup>4</sup> focus on thought / rumination

<sup>5</sup> acceptance

<sup>6</sup> catastrophizing

<sup>7</sup> Sakakibara & Endo

<sup>8</sup> Diedrich, Hofman, Culper, & Berking

<sup>9</sup> personality

<sup>10</sup> Shainer & Deyoung

<sup>11</sup> Cloninger

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

نگاه و تأکید بر بنیان‌های زیستی شخصیت، چهارچوب نظری محکمی را در دو زمینه سرشت و منش<sup>۱</sup> پدید آورده است. مفهوم سرشت، در دیدگاه کلونینجر، به تفاوت‌های فردی در زمینه پاسخ‌های هیجانی اساسی اشاره دارد. سرشت، صفات ارثی هستند که در سراسر زندگی ثابت و پایدار می‌مانند. از سوی دیگر، منش نشانگر اهداف زندگی، نظام ارزشی و هیجانات خودآگاه فرد است، ولی ابعاد منش، کمتر ارثی است و اغلب تحت تأثیر یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرد (تیک‌اوجی، میوک، تامادا، سوزوکی، لو،<sup>۲</sup> ۲۰۱۱). در این زمینه، مدل سرشت کلونینجر در اصل از سه بعد تشکیل یافته است که شامل نوجویی (NS)<sup>۳</sup>، آسیب‌پرهیزی (HA)<sup>۴</sup> و پاداش وابستگی (RD)<sup>۵</sup> است. مطالعات بعدی نشان دادند که پشتکار (PS)<sup>۶</sup>، در اصل یک مؤلفه از وابستگی به پاداش است و متعاقب آن، مدل مورد تجدید نظر قرار گرفت تا ابعاد سرشت شامل چهار بعد مستقل نوجویی، آسیب‌پرهیزی، پاداش‌وابستگی و پشتکار شوند (کلونینجر، شوراکیک<sup>۷</sup> و پرزی بک<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰). نوجویی با نظام فعال‌سازی رفتاری، اجتناب از آسیب با فعالیت نظام بازداری رفتاری یا تنبیه، وابستگی به پاداش با تقویت اجتماعی و حساسیت به محرک‌ها و پشتکار به حفظ رفتاری خاص در شرایط خاموش‌سازی مرتبط هستند (آدان، گرابولوسا، کیسی و ناتالی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹). بر همین اساس، نوجویی نمایانگر سوگیری ارثی در واکنش به تازگی، تکانش‌گری، اجتناب فعال از نشانه‌های تنبیه شرطی و ناکامی و فرار از نشانه‌های تنبیه غیرشرطی است (علی ملایری، کاویانی، اسعدی و فریدحسینی، ۱۳۸۷). درودی، میکائیلی و نریمانی (۱۳۹۵) در پژوهش خود در خصوص رابطه ابعاد سرشت و منش و سیستم‌های مغزی رفتاری با نشانه‌های سلوک در دانش‌آموزان دبیرستانی پرداختند. نتایج نشان داد که در بین مؤلفه‌های سرشت، نوجویی با پرخاشگری و خرابکاری همبستگی مثبت وجود دارد. یافته‌های پژوهش‌های جوزف<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۳) نیز نشان داد که نوجویی در پیش‌بینی مصرف مواد نقش مثبت دارد. از طرفی، منش نیز در دیدگاه کلونینجر سه بعد خودراهبری (SD)<sup>۱۱</sup>، همکاری (C)<sup>۱۲</sup> و خودفراروی (ST)<sup>۱۳</sup> را شامل می‌شود. در این زمینه، همکاری

<sup>1</sup> Treatment & Trait

<sup>2</sup> Take Uchi, Meyuck, Tamada, Susuki & Lue

<sup>3</sup> Novelty Seeking

<sup>4</sup> Harm Avoidance

<sup>5</sup> Reward Dependence

<sup>6</sup> Persistence

<sup>7</sup> Svrakic

<sup>8</sup> Przybeck

<sup>9</sup> Adan, Grabulosa, Caci, Natale

<sup>10</sup> Hayes & Joseph

<sup>11</sup> Self-Directiveness

<sup>12</sup> Co-operativeness

<sup>13</sup> Self-Transcendence

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

درب‌گیرنده رفتارهای موافق با هنجارهای اجتماع بعنوان شاخصی از سازگاری اجتماعی است (آدان و همکاران، ۲۰۰۹). این بعد منش نشانگر تفاوت‌های فردی در کارکردهای اجتماعی افراد است (کلونینجر و همکاران، ۲۰۰۶؛ شوراکیک و کلونینجر، ۲۰۰۵). علی محمدی، شببانی نوقایی و زاهدی تجربیسی (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان دادند افراد افسرده‌ای که به مصرف مواد روی آورده‌اند، توان پیروی از هنجارها را ندارند و معمولاً نمره همکاری پایینی کسب می‌کنند. علاوه بر این، خود فراروی از توانایی پذیرش و ادراک خویش و محیط بعنوان یک کل یکپارچه تشکیل می‌شود (آدان و همکاران، ۲۰۰۹). خودفراروی نشانگر تفاوت‌های فردی در کارکردهای قضوتی و اخلاقی است، همچنین، شامل احساس‌های خودبخودی از مشارکت در محیط خود بعنوان یک کل منسجم است و با قضاوت عاقلانه، ملایمت فروتنان و معنویت فارغ از خود، همراه می‌شود. افرادی که در خود فراروی بالایی قرار دارند، اغلب دوره‌های فراوانی از پیوستگی شادی و الهام خلاقانه را گزارش می‌کنند (کلونینجر و همکاران، ۲۰۰۶). در این راستا، یافته‌های شوراکیک و کلونینجر (۲۰۰۵) نشان دادند که خودفراروی پایین با گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه دارد.

مبنی بر آنچه که ذکر شد، در پژوهش‌های پیشین، به رابطه برخی از متغیرها همچون ابعاد شخصیتی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با رفتارهای پرخطر اشاره شده است، با این حال، در این خصوص تناقضاتی مشاهده می‌شود، بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش راهبردهای فاجعه‌انگاری، پذیرش و ابعاد نوجویی، همکاری و خودفراروی در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بود.

### روش پژوهش

این پژوهش با توجه به اهداف، از نوع بنیادی و با توجه به شیوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، عبارت بود از کلیه دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز تحصیل می‌کنند. مطابق آمار اعلام شده از سوی دانشگاه، تعداد کل دانشجویان در این سال تحصیلی حدود ۲۳ هزار نفر بود. در این راستا، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای که در این روش نمونه‌گیری، یک نمونه تصادفی از خوشه‌های سطوح مختلف تحصیلی اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به تعداد ۳۰۰ نفر از دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه، حقوق، الهیات و علوم سیاسی، ادبیات و زبان‌های خارجی، فنی و مهندسی و هنر و معماری از بین ۸ کلاس کارشناسی، ۴ کلاس کارشناسی ارشد و ۲ کلاس دکتری انتخاب شد.

### ابزارهای پژوهش

**الف) پرسشنامه رفتارهای پرخطر:** پرسشنامه رفتارهای پرخطر توسط معینی در سال ۱۳۹۳ تهیه گردیده است. این پرسشنامه در قالب ۴۰ گویه در ۷ حوزه شامل راندگی خطرناک، رفتارهای خشونت‌آمیز، تمایل و اقدام به خودکشی، مصرف سیگار و قلیان، مصرف الکل و مواد مخدر، رفتار جنسی و رفتارهای

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

مرتبط با فضای مجازی به شکل طیف در قالب پاسخ‌های هرگز (۱)، یک یا دوبار (۲)، بعضی اوقات (۳) و بیشتر اوقات (۴) مورد سنجش قرار گرفته‌اند. گویه‌های ۱، ۲ و ۵ نیز به حالت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند، کسب نمره بالاتر نشان‌دهنده گرایش زیاد فرد به رفتارهای پرخطر است و کسب نمره کمتر، پیش‌بینی‌کننده خطر کمتر ابتلاء فرد به این گونه رفتارهاست. در این پژوهش برای سنجش پایایی پرسشنامه رفتارهای پرخطر، از آلفای کرونباخ استفاده شد و روایی پرسشنامه به شیوه اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب نظر مورد تأیید قرار گرفت.

**ب) پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ):** پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان توسط گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۲) طراحی شده است. یک ابزار ۳۶ گویه‌ای و چندبعدی و یک ابزار خودگزارشی محسوب می‌شود و دارای فرم ویژه کودکان و بزرگسالان است. راهبردهای تنظیم شناختی هیجان را در پاسخ به حوادث تهدیدکننده و تنش‌زای زندگی در طیف پنج درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) را برحسب ۹ زیرمقیاس می‌سنجد که ۴ زیرمقیاس تنظیم شناختی مثبت هیجان شامل تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، تمرکز مجدد مثبت، باارزیابی مثبت و دیدگاه‌گیری است و ۵ زیرمقیاس تنظیم شناختی منفی هیجان شامل سرزنش خود، سرزنش دیگران، پذیرش، نشخوارفکری و فاجعه‌انگاری است. این پرسشنامه فاقد سؤالات معکوس است. برای بدست آوردن نمره، نمرات هر زیرمقیاس را با هم جمع می‌کنند. در بررسی مشخصات روان‌سنجی آزمون، گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۲) پایایی آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۹۳ بدست آوردند.

**ج) پرسشنامه ابعاد سرشت و منش (TCI-125):** پرسشنامه ابعاد سرشت و منش شخصیت کلونینجر (۲۰۰۰) برای ارزیابی ابعاد شخصیت کلونینجر است، دارای دو بعد سرشت (نوجویی، آسیب‌پرهیزی، وابستگی به پاداش و پشتکار) و منش (خود راهبری، همکاری و خودفراروی) می‌باشد و ۱۲۵ گویه دارد که شامل چهار بعد سرشت نوجویی (۲۰ سوال)، آسیب‌پرهیزی (۲۰ سوال)، وابستگی به پاداش (۱۵ سوال) و پشتکار (۵ سوال) و سه بعد منش خودراهبری (۲۵ سوال)، همکاری (۲۵ سوال) و خودفراروی (۱۵ سوال) است. نمره‌گذاری به صورت صحیح (۱) و غلط (۰) امتیاز در نظر گرفته می‌شود که البته در سؤالات معکوس، برای جواب‌های غلط نمره (۱) لحاظ می‌گردد و بالعکس. در پژوهش کلونینجر و همکاران (۲۰۰۶)، بررسی پایایی پرسشنامه به کمک آلفای کرونباخ و بازآزمایی تأیید شده است. دامنه ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۷۳ برای وابستگی به پاداش تا ۰/۹۰ برای مقیاس خودراهبری بدست آمد. دامنه ضریب روایی نیز از ۰/۶۶ برای مقیاس خودراهبری تا ۰/۹۰ برای مقیاس پشتکار بدست آمد.

<sup>1</sup> Cognitive Emotion Regulation Questionnaire

<sup>2</sup> Temperament and Character Inventory

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

### یافته‌های پژوهش

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مرکزی و پراکندگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
رفتارهای پرخطر	۵۸/۰۸	۱۰/۲۱	۳۰۰
فاجعه‌انگاری	۱۰/۷۹	۲/۹۱	۳۰۰
پذیرش	۱۳/۱۲	۳/۰۶	۳۰۰
نوجویی	۹/۸۶	۳/۶۵	۳۰۰
همکاری	۱۶/۵۷	۴/۳۱	۳۰۰
خودفراروی	۱۰/۳۷	۲/۹۲	۳۰۰

مندرجات جدول ۱ نشان می‌دهد که در بین متغیرهای مورد مطالعه، متغیر رفتارهای پرخطر دارای بیشترین میانگین و متغیر نوجویی دارای کمترین میانگین، نسبت به سایر متغیرهای مورد مطالعه است. علاوه بر این، شاخص پراکندگی اغلب متغیرهای مورد مطالعه در حد مطلوب قرار دارد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پیش بین در گرایش به رفتارهای پرخطر

متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)
رفتارهای پرخطر	۱					
فاجعه‌انگاری	۰/۰۵۶**	۱				
پذیرش	۰/۰۴۷**	۰/۲۴۵**	۱			
نوجویی	۰/۵۸۷**	-۰/۱۲۹*	۰/۰۱۳	۱		
همکاری	-۰/۴۷۰**	-۰/۱۷۷**	-۰/۱۴۰**	-۰/۴۸۷**	۱	
خودفراروی	-۰/۲۵۲**	-۰/۲۴۳**	-۰/۱۴۷**	-۰/۲۱۹**	۰/۰۶۲	۱

\* $P < 0.05$  \*\* $P < 0.01$

مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد که بین فاجعه‌انگاری و گرایش به رفتارهای پرخطر ( $r = 0.056, P < 0.01$ ) و پذیرش و گرایش به رفتارهای پرخطر ( $r = 0.047, P < 0.01$ ) رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بین نوجویی و گرایش به رفتارهای پرخطر، رابطه مثبت و معنی‌دار ( $r = 0.587, P < 0.01$ ) وجود دارد و بین همکاری و

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

گرایش به رفتارهای پرخطر، ( $r = -0/303, P < 0/01$ ) و بین خودفراروی و گرایش به رفتارهای پرخطر، رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد ( $r = -0/077, P < 0/01$ ).

جهت تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه (مدل همزمان) استفاده شد که در ابتدا پیش-فرض‌های این روش از جمله فاصله ای بودن مقیاس متغیر ملاک، نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد مطالعه (با استفاده از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف)، استقلال منابع خطا (با استفاده از آزمون دوربین واتسون (اندازه=۱/۸۴۵) و هم خطی چندگانه متغیرهای پیش بین (با استفاده از VIF و Tolerance) مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به تحقق اکثر پیش فرض‌های تحلیل رگرسیون چندگانه، برای تحلیل داده‌های مورد نظر از این روش استفاده شد که نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. تحلیل رگرسیون چندگانه (مدل همزمان) روابط متغیرهای پیش‌بین با گرایش به رفتارهای پرخطر

مدل	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> اصلاح شده	خطای استاندارد	F	df <sub>1</sub>	df <sub>2</sub>	سطح معنی‌داری
۱	۰/۵۹	۰/۳۴	۰/۴۶	۷/۵۰	۱۶/۹۳	۱۶	۲۸۳	۰/۰۰۰۱

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که متغیر پیش بین بطور ترکیبی حدود ۰/۵۹ با گرایش به رفتارهای پرخطر همبستگی داشته و با توجه به ضریب تعیین اصلاح شده ( $R^2 = 0/46$ ) می‌توان استنباط کرد که این متغیرها قادرند به طور ترکیبی ۰/۳۴ درصد از واریانس گرایش به رفتارهای پرخطر را بطور معنی‌دار تبیین کنند ( $F=16/93, p < 0/01$ )

جدول ۴. ضرایب استاندارد و غیر استاندارد متغیرهای پیش بین

متغیر	B استاندارد	D غیر استاندارد	خطای استاندارد	t	سطح معنی‌داری
فاجعه‌انگاری	۰/۱۳	۰/۴۶	۰/۲۰	۲/۲۰	۰/۰۲
پذیرش	۰/۱۹	۰/۶۴	۰/۲۱	۳/۰۲	۰/۰۰۱
نوجویی	۰/۴۱	۱/۱۵	۰/۱۶	۷/۰۸	۰/۰۰۱
همکاری	-۰/۲۴	-۰/۵۹	۰/۱۳	-۴/۳۵	۰/۰۰۱
خودفراروی	-۰/۱۱	-۰/۴۰	۰/۱۷	-۲/۳۰	۰/۰۱
مقدار ثابت	۵۶/۶۸				

متغیر ملاک: گرایش به رفتارهای پرخطر



## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد که در راستای پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر مبتنی بر ضرایب استاندارد بدست‌آمده می‌توان بیان داشت که: الف) فاجعه‌انگاری ۰/۱۳ واحد استاندارد ( $t = ۲/۲۰, P < ۰/۰۱$ ) و پذیرش ۰/۱۹ از تغییرات گرایش به رفتارهای پرخطر را در واحد استاندارد ( $t = ۳/۰۲, P < ۰/۰۱$ ) بطور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی می‌کنند ب) نوجویی قادر است ۰/۴۱ واحد استاندارد از تغییرات گرایش به رفتارهای پرخطر را بطور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کند ( $t = ۷/۰۸, P < ۰/۰۱$ )، ج) بعد همکاری قادر است ۰/۲۴ از تغییرات گرایش به رفتارهای پرخطر ( $t = -۴/۳۵, P < ۰/۰۱$ ) خودفراروی، ۰/۱۱ از تغییرات گرایش به رفتارهای پرخطر ( $t = -۲/۳۰, P < ۰/۰۱$ ) را در واحد استاندارد بطور منفی و معنی‌دار پیش‌بینی کند. مبتنی بر این ضریب استاندارد معادله پیش بین نمرات استاندارد Y یا گرایش به رفتارهای پرخطر به شرح زیر است:

$$Y = B_1 X_1 Z + B_2 X_2 Z + B_3 X_3 Z + B_4 X_4 Z + B_5 X_5 Z$$

که در این معادله ضرایب ساختاری متغیرهای پیش‌بین (فاجعه‌انگاری، پذیرش، نوجویی، همکاری و خودفراروی)، ( $B_1 = ۰/۱۳, B_2 = ۰/۱۹, B_3 = ۰/۴۱, B_4 = -۰/۲۴, B_5 = -۰/۱۱$ ) است. از طرفی معادله پیش بین نمرات ملاک از طریق متغیر پیش بین با توجه به ضریب غیراستاندارد به این شرح است:

$$\hat{Y} = \alpha + b_1 x_1 + b_2 x_2 + b_3 x_3 + b_4 x_4 + b_5 x_5$$

که در این معادله ضریب ساختاری متغیرهای پیش‌بین (فاجعه‌انگاری، پذیرش، نوجویی، همکاری، خودفراروی)، ( $b_1 = ۰/۴۶, b_2 = ۰/۶۴, b_3 = ۱/۱۵, b_4 = -۰/۵۹, b_5 = -۰/۴۰$ ) است.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش راهبردهای فاجعه‌انگاری، پذیرش و ابعاد نوجویی، همکاری و خودفراروی در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بود. در این راستا، یافته‌های پژوهش نشان داد که فاجعه‌انگاری و پذیرش قادرند تغییرات گرایش به رفتارهای پرخطر را بطور مثبت پیش‌بینی کنند. از سویی، بعد نوجویی قادر است واریانس گرایش به رفتارهای پرخطر را بطور مثبت و ابعاد همکاری و خودفراروی بطور منفی پیش‌بینی کنند. در این راستا، براساس تعریف گراس (۱۹۹۶) تنظیم هیجان فرایندی است که توسط آن، افراد هیجان‌های خود (موقعی که هیجانی هستند) و چگونگی تجربه یا ابراز این هیجان‌ها را تحت نفوذ خود قرار می‌دهند. در واقع، تنظیم هیجانی بعنوان فرایند آغاز، حفظ، تعدیل یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرایندهای اجتماعی- روانی- فیزیکی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می‌شود، همچنین تنظیم هیجان در مدیریت هیجان‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند (داروس و همکاران، ۲۰۱۸). تنظیم هیجان شکل خاصی از خودنظم‌بخشی است و بعنوان فرایندهای بیرونی و

درونی دخیل در بازبینی، ارزشیابی و تعدیل ظهور، شدت و طول مدت واکنش‌های هیجانی تعریف شده است که در سطوح ناهشیار، نیمه‌هشیار و هشیار به کار گرفته می‌شود (تامسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). یکی از نتایج این پژوهش نشان داد که فاجعه‌انگاری قادر است گرایش به رفتارهای پرخطر را به صورت مثبت پیش‌بینی کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، این راهبرد نوعی بزرگ‌نمایی رخداد تلقی شده است که بدترین نتیجه ممکن از یک وضعیت را قلمداد می‌کند (سالیوان، ۲۰۰۷). فکر کردن به اینکه اتفاق رخ داده چقدر وحشتناک بوده و این اتفاق بدترین چیزی است که در زندگی هر کسی رخ می‌دهد، یا ادراک و ابراز شدید و وحشتناک از واقعیت، فاجعه‌انگاری نامیده می‌شود (گراس، ۲۰۱۵). کاربرد زیاد این راهبرد به مشکلات هیجانی و بیماری‌های روانی منجر می‌شود، در کل این راهبرد به نظر می‌رسد که با غیرانطباقی بودن، پریشانی هیجانی مرتبط باشد (ساکاکیبارا و اندو، ۲۰۱۶). یافته‌های آلدانو و همکاران (۲۰۰۷) و گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۶) که نشان دادند استفاده بیشتر از راهبرد فاجعه‌انگاری با گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه مثبت دارد. علاوه بر این، یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که راهبرد پذیرش قادر است گرایش به رفتارهای پرخطر را به صورت مثبت پیش‌بینی کند، در تبیین نتایج فوق می‌توان عنوان نمود، پذیرش به قبول کردن رویداد و تجربه تلخ و کناره‌گیری از آنچه روی داده است، اطلاق می‌شود. طبق نظر گارنفسکی و کرایج (۲۰۰۶) پذیرش، تفکری با محتوای تسلیم در برابر رخداد است. پذیرش یک رویداد مقابله‌ای است که رابطه مثبتی با میزان استرس و افسردگی دارد. دیدریج و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند اگرچه فرایند پذیرش به تنهایی خوب است اما در بسیاری از وقایع، سطوح خیلی بالایی از پذیرش می‌تواند نشانگر نوعی از کناره‌گیری حسی شود و به احساس عدم توانایی در تأثیرگذاری روی وقایع منجر شود. یعنی هرچه فرد خود را ملزم و ناچار به پذیرش اتفاق پیش‌آمده بداند و ادراک و ابراز شدیدی از واقعه پیش‌آمده داشته باشد، بیشتر در معرض گرایش به رفتارهای پرخطر قرار خواهد گرفت.

در مطالعات شوراکیک و کلونینجر (۲۰۰۵) بر روی نمونه‌های چینی و امریکای شمالی و بر روی نمونه‌های ترک، مشخص شد که بین راهبرد پذیرش بالا و استرس بالا، رابطه مثبت وجود دارد. حتی طراحان ابزار تنظیم شناختی هیجان (گارنفسکی و کرایج، ۲۰۰۶) نشان دادند که بین راهبرد پذیرش و علائم خشم در نمونه بالغ، رابطه مثبت وجود دارد، بطوری که در این ابزار، سؤالات مربوط به تسلیم شدن نسبت به واقعه اتفاق افتاده و پذیرفتن شرایط موجود و ناتوانی در تغییر شرایط موجود و کنار آمدن با آن شرایط اشاره دارد، بنابراین آنها به این نتیجه رسیدند که راهبرد پذیرش نمی‌تواند بعنوان یک راهبرد انطباقی و سازگارانه تنظیم شناختی هیجان، محسوب شود (داروس و همکاران، ۲۰۱۸). مبتنی بر یافته‌ها می‌توان استنباط نمود که فاجعه‌انگاری و پذیرش قادرند تغییرات گرایش به رفتارهای پرخطر را بطور مثبت

<sup>1</sup> Thompson

پیش‌بینی کنند، در این راستا، افراد حائز راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان، توسط هیجان‌های منفی مغلوب شده و در نتیجه، در یک موقعیت استرس‌زا به بهبود عملکرد خود نمی‌اندیشند، لذا، برای غلبه بر احساسات منفی خود منابع کمتری داشته و از این رو به رفتارهای پرخطر دست می‌زنند.

از سوی دیگر، در سال‌های اخیر پژوهشگران توجه زیادی به بررسی ابعاد نظریه کلونینجر (۲۰۰۶) در جمعیت بالینی کرده و سعی نموده‌اند تا با بررسی اختلالات روانی مختلف، به شناسایی هرچه بهتر عوامل دخیل در این اختلالات کمک کنند (ون کامپن، ون دن اِد، مورکنز، شات، شاتی و ساب<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). در این راستا، یکی دیگر از نتایج پژوهش نشان داد که بین نوجویی و گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. یعنی هرچه فرد نوجویی بیشتری داشته باشد و در هر لحظه از زندگی خود خواهان تجربه موقعیت‌های نو و هیجان‌انگیز باشد، گرایش او به رفتارهای پرخطر بیشتر است. با این حال، نوجویی موجب روی آوردن فرد به محرک‌های نو و جدید بدون در نظر گرفتن پیامدهای آنها شده و در گرایش فرد به رفتارهای پرخطر نقش مستقیم دارد. در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان گفت نوجویی موجب روی آوردن فرد به محرک‌های نو و جدید بدون در نظر گرفتن پیامدهای آنها شده و در گرایش فرد به رفتارهای پرخطر نقش مستقیم دارد. نوجویی نمایانگر سوگیری ارثی در واکنش به تازگی، تکانشگری، اجتناب فعال از نشانه‌های تنبیه شرطی و ناکامی و فرار از نشانه‌های تنبیه غیرشرطی است. افراد با نمره بالا در نوجویی، معمولاً کنجکاوند، به سادگی برانگیخته شده و عصبانی می‌شوند، زود خسته شده و تکانشی، برون‌گرا و نامنظم هستند. افراد با نمره پایین در نوجویی، افرادی آرام و خویشتن‌دار، صبور، فکور، اقتصادی و منظم هستند و نسبت به یکنواختی تحمل خوبی دارند. نتایج حاضر با یافته‌های هایز و جوزف (۲۰۰۳) که نشان دادند نوجویی در پیش‌بینی مصرف مواد نقش مثبت دارد، همسو است. علاوه بر این، یافته‌های هاشمی، ماشینیچی، جداری و جلائی (۱۳۹۷) نشان داد که در بین ابعاد سرشت و منش، نوجویی و همکاری قادرند تغییرات رفتارهای ضداجتماعی را بطور معکوس پیش‌بینی کنند که با نتایج پژوهش فریدحسینی و همکاران (۱۳۸۶) همسو است. نتایج پژوهش حاضر نشان دادند بعد همکاری در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر نقش منفی دارد. در تبیین این یافته می‌توان عنوان نمود که ویژگی همکاری در فرد موجب مسئولیت‌پذیری، سازگاری، پایبندی به اصول و همدلی می‌شود. فردی که به رفتارهای پرخطر دست می‌زند، به اصول و قوانین پایبندی ندارد، از سازگاری اجتماعی برخوردار نیست، چراکه به پیامد رفتارهای خود نمی‌اندیشد، در حالی که فردی با همکاری بالا، خود را بعنوان عضوی از اجتماع می‌نگرد، حمایت‌کننده است و حاضر نیست به موجب رفتارهای پرخطر او آسیبی به دیگران وارد شود. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های کلونینجر و همکاران (۲۰۰۶) و فریدحسینی و همکاران (۱۳۸۶) که

<sup>1</sup> Vancompen, Van Den Eede, Moorkens, Schotte, Schaty, & Sabbe

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

نشان دادند افراد با همکاری پایین به رفتارهای پرخطر گرایش دارند، همسو است. نتایج بعدی پژوهش حاضر نیز نشان داد که بعد خودفراروی قادر است گرایش به رفتارهای پرخطر را به صورت معکوس پیش بینی کند. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های شوراکیک و کلونینجر (۲۰۰۵) که نشان دادند خودفراروی پایین با گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه دارد، همسو است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، خودفراروی نشانگر تفاوت‌های فردی در کارکردهای قضاوتی و اخلاقی است. افراد با نمرات بالا در بعد خود فراروی، فروتن، متواضع، قانع، بردبار، خلاق، معنوی و بی‌تکلف هستند و خود را به صورت بخشی یکپارچه با جهان هستی می‌انگارند، بنابراین این افراد به دلیل خصوصیات مثبتی که دارند به رفتارهای پرخطر گرایش ندارند، در مقابل، افراد با نمرات پایین در این بعد، مادی، عینی، مسلط بر زندگی شخصی و درعین حال، پرمدا هستند، این افراد، مغرور، بی‌صبر و ناشکیبا هستند. در نتیجه افرادی که خودفراروی پایینی دارند به دلیل ادعای زیاد و ناشکیبایی خواهان اثبات خود به دیگرانند و تمایل دارند در موقعیت‌هایی که قرار می‌گیرند، جلوه‌گری کرده و توانایی‌های خود را بیشتر نشان دهند، به همین دلیل بیشتر در معرض گرایش به رفتارهای پرخطری چون رانندگی و ورزش‌های خطرناک قرار می‌گیرند.

مهمترین محدودیت این پژوهش استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی تنظیم‌شناختی هیجان و رفتارهای پرخطر بود، زیرا استفاده از پرسشنامه خودگزارش‌دهی و پاسخدهی به آن با سوگیری همراه است و این سوگیری ممکن است در نتایج پژوهش تأثیر داشته باشد. بنابراین در پژوهش‌های آتی تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. از جمله محدودیت‌های دیگر این پژوهش محدود شدن نمونه صرفاً به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز بود که تعمیم نتایج به دانشجویان سایر شهرها را با مشکل مواجه خواهد کرد. بنابراین در تحقیقات بعدی استفاده از حجم نمونه وسیع‌تر از میان دانشجویان شهرهای مختلف مؤثر خواهد شد. مبتنی بر یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود مسئولین اجرایی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی با برگزاری کارگاه‌های آموزشی به فراگیران روش‌های مقابله با گرایش به رفتارهای پرخطر و تنظیم صحیح هیجان‌های مثبت و منفی را آموزش دهند تا اثرات منفی رفتارهای پرخطر را چه بر روی خود فرد و چه اطرافیان و جامعه کمتر کنند.

## منابع

- دردی، جواد؛ میکاییلی، نیلوفر؛ و نریمانی، محمد. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سرشت و منش و سیستم‌های مغزی رفتاری با نشانه‌های سلوک در دانش‌آموزان. **فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی**، ۵، ۱۴-۶۶-۴۹.
- علی‌محمدی، امیرحسین؛ شبیانی‌نوقایی، فرشاد؛ و زاهدی‌تجربشی، کمیل. (۱۳۹۰). مقایسه ویژگی‌های سرشتی-منشی شخصیت در میان افراد معتاد، افسرده و مضطرب با افراد عادی. **مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی**، ۱۳ (۴)، ۵۱-۶۰-۴۱.

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

### ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

علی ملایری، نوشین؛ کاویانی، حسین؛ اسعدی، محمد؛ و فریدحسینی، فرهاد. (۱۳۸۷). ارزیابی ابعاد شخصیت براساس پرسشنامه سرشت و منش کلونینجر در بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی. *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران*، ۶۶ (۹)، ۶۳۸-۶۳۳.

فریدحسینی، فرهاد؛ کاویانی، حسین؛ اسعدی، محمد؛ علی ملایری، نوشین؛ و مقدس بیات، محمدرضا. (۱۳۸۶). الگوی سرشت و منش در افراد مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی و مقایسه آن با هنجار جامعه. *تازه‌های علوم شناختی*، ۹ (۲)، ۵-۶۰.

مهرابی، حسینعلی؛ محمودی، فهیمه؛ و مولوی، حسین. (۱۳۹۵). پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس باورهای دینی، هیجان‌خواهی، آلودگی محیط و رسانه‌ها در دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان. *مجله مطالعات روان‌شناختی*، ۱۷ (۲)، ۱۴-۴.

هاشمی، تورج؛ ماشینی‌عباسی، نعیمه؛ جداری، معصومه؛ و جلائی‌نوبری، حسین. (۱۳۹۷). نقش سرمایه اجتماعی، خودکارآمدی و ویژگی‌های سرشت و منش شخصیت در پیش‌بینی رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان شهر تبریز. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۳ (۴۹)، ۲۶۲-۲۳۷.

Adan, A., Grabulosa, J.M.S., Caci, H., & Natale, V. (2009). A reduced Temperament and character Inventory (TCI -125). Psychometric properties in a non-clinical sample. *Personality and Individual differences*, 46, 68-69.

Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., Schweizer, S. (2010). Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta analytic review. *Clin Psychology Rev*, 30(2), 217-237.

Calati, R., Giegling, I., Rujesca, D., Hartman, A.M., Moller, H.J., Ronchi, D., & Seretti, A. (2008). Temperament and Character of Suicide attempters, *Journal of Psychiatric Research*, 42, 938-945.

Celikel, F.C., Kose, S., Cumurca, B.E., Erkorkmaz, U., Sayar, K., Borchardt, J.J., & Cloninger, C. R., (2009). Cloninger's temperament and character dimensions of personality in patients with major depressive disorder. *Comprehensive psychiatry*, 50, 556-561.

Champion, K.E., Mather, M., Spring, B., Kay-Lambkin, F., Teesson, M., & Newton, N.C. (2018). Clustering of Multiple Risk Behaviors Among a Sample of 18-Year-Old Australians and Associations With Mental Health Outcomes: A Latent Class Analysis, *Frontiers in Public Health*, 6(135), 1-11.

Cloninger, C.R. (1987). A systematic method for clinical description and classification of personality variants, *Arch Gen Psychiatry*, 44, 573-588.

Cloninger, C.R., Svrakic, D. M., & Przybeck, T. R. (2000). Can personality assessment predict future depression? A twelve month follow up of 631 subjects. *Affect Disord*, 92(1), 35-44.

Cloninger, C.R. (2006). The science of well-being: an integrated approach to mental health and its disorders. *World Psychiatry*, 5(2), 71-76.

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

- Costa, P. T., & McCrae, R.R. (1992). NEO PI-R professional manual. *Psychol Assess Resour*, 20-30.
- Daros, A.R., Guevara, M.A., Uliaszek, A. A., & Ruocco, A.C. (2018). *Cognitive emotion regulation strategies in borderline personality disorder: Diagnostic comparisons and associations with potentially harmful behaviors*, 51(2),1-13.
- Diedrich, A., Hofman, S.G., Culper, P., & Berking, M. (2016). Self-compassion enhances the efficacy of explicit cognitive reappraisal as an emotion regulation strategy in individuals with major depressive disorder. *Behave. Res. Ther.* 82:1-10.
- Garnefski , N., Legerestee , J., Kraaij , V., Van den Kommer , T., & Teereds , J. (2002). Cognitive coping strategies and symptoms of depression and anxiety: A comparison between adolescents and adults. *J Adolesc*, 25(6), 603-11.
- Garnefski , N., & Kraaij, V. (2006) Relationships between cognitive emotion strategies and depressive symptoms: a comparative study of five specific samples. *Personality and Individual Differences*, 40, 1659-1669.
- Gross, J.J. (1996). Emotion and emotion regulation. In L.A. Pervin & O. P. John (Eds). *Handbook of Personality: Theory and research* (2<sup>nd</sup>. Ed), 525-552.
- Gross, J. J. (2015). *Handbook of Emotion Regulation*, Guilford Publications.
- Hayes, N., & Joseph, S. (2003). Big 5 correlates of three measure of subjective well- being. *Personality and Individual Differences*, 34(4), 723-727.
- Mauss, I. B., Levenson, R. W., McCarter, L., Wilhelm, F., & Gross, J. J. (2005). The tie that binds? Coherence among emotion experience, behavior, and physiology. *Emotion*, 5, 175-190.
- Piche, J., Kaylegian, J., Smith, D., & Hunter, S.J. (2018). The relationship between self- reorted executive functioning and risk- taking behavior in urbon homeless youth. *Behavioral Sciences*, 8, 6, Doi: 10, 3390/ bs8010006.
- Sakakibara, R., & Endo. T. (2016). Cognitive appraisal as a predictor of cognitive emotion regulation choice. *Japanese Psychological Research*, 58(2), 175-185.
- Shiner, R.L., & Deyoung, C. G. (2011). *The structure of temperament and personality traits: A Developmental perspective. Human capital and economic opportunity working group. Economic Research Center. University of Chicago.*
- Svrakic, D.M ., & Cloninger, C.R. (2005). Personality disorders In B.J. Sadock, V. A. Sadock (Eds), *comprehensive textbook of psychiatry* (Eight Edition).(2063-2150). Philadelphia Lippincott Williams & Wilkins.
- Take uchi, M., Miyaoka, H., Tomoda, A., Suzuki, M. Lu, X., & Kitamura, T. (2011). Validity and reliability of the Japanese version of the temperament and character inventory: a study of university and college students. *Comprehensive Psychiatry*, 52, 10-117.
- Thompson, R.A. (1994). Emotional survey results regulation: A theme in search for definition. *J society research in child Dev*, 59,25-52.

## فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

Van campen, E., Van Den Eede, F., Moorkens, G., Schotte, C., Schaty, R., & Sabbe, B.G. (2009). Use of the temperament and character inventory (TCI) for assessment of personality in chronic fatigue syndrome. *Psychosomatics*, 50, 147-154.